

جستاری تاریخی در شناخت ماهوی مفهوم «رافضی»

نویسندگان: هاشم اندیشه،^۱ دکتر محمدرضا پیوندی^۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱

دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳

چکیده

کلیدواژه «رافضی» در منابع تاریخی به صورت «رافضیه»، «رافضیان» و «روافض» آمده و از کلمه رفاض به معنای ترک کردن وام گرفته شده و در اصطلاح کلامی مخالفین مذهب امامیه، عنوانی است که بر همه فرقه‌های شیعه و گاهی بر گروه و فرقه خاصی از ایشان و زمانی بر کسانی که محبت خاندان پیامبر اکرم ﷺ را ابراز می‌کنند، اطلاق می‌شود. در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد انجام شده، از منابع متعدد روایی شیعه و سنی استفاده شده و تلاش نموده با تبیین مفهومی رافضی به نقش ایشان در تاریخ و تمدن اسلامی اشاره گردد. اهمیت بحث به ویژه از آن‌جا نمودار می‌شود که طرح بحث رافضی‌ها موجب ابهام میان مسلمانان در طول تاریخ شده که سرمنشأ این نامگذاری از کجا آغاز شده و به چه عصر و دوره‌ای بازمی‌گردد؛ مطلبی که تبیین آن می‌تواند به رفع ابهاماتی که در این حوزه وجود دارد، کمک شایانی کند.

واژگان کلیدی: رافضی، علوی، شیعه

مقدمه

شاید به ذهن بعضی‌ها خطور کند که در دین اسلام شاخه سومی به نام رافضیان بوده است که از بیان آن در منابع تاریخی اهمال شده است؛ زیرا بسیاری نمی‌دانند که رافضیان به کدام یک از دو شاخه شیعه یا سنی نسبت دارد.

مزیت این پژوهش بر سایر تحقیقات قبلی را می‌توان این‌گونه برشمرد که وجه تفاوت رافضی با واژه‌های مترادف شیعه را بیان داشته است. بر این اساس، تحقیق حاضر شامل معناسازی، معنای لغوی و اصطلاحی رافضی، عقاید رافضی‌ها و وجه تفاوت واژه‌های مترادف شیعه است.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، hashem.andisheh@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی گروه تاریخ پژوهشگاه امام صادق ﷺ، payvandy@gmail.com

مبانی نظری و اصطلاحی «رافضی»

کلیدواژگان «رفض»، «روافض»، «الرّفُض» و «رافضة» در معانی زیر آمده است:

۱. رفض

- تركك الشيء
- الشيء المتحرك المتفرق
- يجمع على أرفاض كأرفاض القوم في السفر
- إرفاض الشيء حيث يجمعه الريح في مواضع وتفرقه
- ارفض الدمع: سال ارفضاضا

۲. روافض

- جند تركوا قائدهم و انصرفوا، كل طائفة منها رافضة، وهم قوم أيضا لهم رأي وجدال يسمون الروافض، والنسبة إليهم رافضي. (الفراهيدي، ۱۴۱۰، ج ۷: ۲۹)

۳. الرّفُض

- گرایش بسیار به مذهب و رویگردانی از سایر مذاهب که در زبان متداول، رایج است.

۴. الرّافِضة

- نام گروهی از شیعیان است که فرمانده خود را به هنگام جنگ رها کرده و او را تنها گذاردند. (البستانی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۱۶)

۵. رافضی

کلیدواژه «رافضی» کلمه‌ای عربی و لقبی طعن‌آمیز برای گروهی از لشکر زید بن علی بن الحسین است که او را در جنگ ترک کردند و تنها گذاشتند. برخی از اهل سنت از روی طعن، همه شیعیان را رافضی می‌خوانند؛ چرا که معتقدند آنان ایمان به خلافت سه تن از خلفا را ترک کرده‌اند.

به طور کلی، این واژه از ریشه «رفض» به معنای رد کردن آمده و نخستین بار زیدیان، شیعیان غیر از خود را رافضی گفتند؛ زیرا امامت زید بن علی را رفض می‌کردند و به نظر می‌رسد از این‌جا این نام برای شیعه به وجود آمد.

از طرفی، عمومیت شیعه استعمال این واژه را نمی‌پسندد؛ چرا که به تدریج از معنای اصلی منحرف گشته و کنایه‌ای از ترک مذهب تلقی شده است. به عبارتی فرد مورد نظر از دین دور شده و کلمه‌ای مترادف کلمه «خوارج» است که به گروهی از مسلمانان می‌دهند. (ابن خلدون، ۱۳۸۶)

در طول تاریخ، گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی برای از صحنه بیرون کردن گروه مخالف خود، همواره از القاب ناپسند و ناشایست استفاده می‌کردند که عدم آگاهی توده‌های مردم در عصر اموی و وجود سیاست‌های حاکمان آن عصر، بر این مسئله دامن زده است؛ بر این اساس، انتساب «رفض» و «رافضی» از چنین القابی است که برخی نویسندگان آن را به شیعه امامیه نسبت داده‌اند.

از حیث اصطلاحی نیز معنا و مفهوم «رافضی» در تعبیر زیر به کار برده می‌شود:

- «إِنَّمَا سَمُّوا الرِّوَاضَ لِكُونِهِمْ رَفُضًا لِلدِّينِ»؛ (اشعری، ۱۴۰۰: ۸۹، پاورقی) بدین جهت رافضی گفته‌اند که دین را رها کردند. «رفض» یعنی رها کردن وحی و برگشت به افسانه‌ها و خرافات بت‌پرستی و طاغوت‌پرستی و به عبارت دیگر، بازگشت به آثار و ارزش‌های جاهلیت که آن را به شخصی به نام عبدالله بن سبا و پیروان او نسبت داده‌اند؛ زیرا وی امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام را پیغمبر می‌پنداشت و با این پندار دین اسلام را رفض نمود. (دارالمدنی، بی‌تا: ۸-۹)

- بعضی معتقدند واژه «رفض» و «رافضی» از سال ۱۲۲ هجری در زمان زید بن علی به کار برده شد؛ هم‌چنان که بغدادی می‌نویسد: فرقه زیدیه را رافضی می‌گویند. (بغدادی، ۱۳۶۷: ۲۱) در «مفاتیح العلوم» خوارزمی آمده است: به جماعتی که با زید بن علی بیعت کردند و سپس او را رها کردند، رافضی گفته شده است. در «مصباح المنیر» نیز چنین می‌نویسد: «والرِّافِضُ فِرْقٌ مِنْ شِيعِ الكُوفِ سَمُّوا بِذَلِكَ لِأَنَّهْمُ تَرَكَوا زَیدَ بْنَ عَلِیِّ حَیْنَ هُمُ عَنِ الطَّعْنِ فِی الصَّحَابِ فَلَمَّا عَرَفُوا مَقَالَتهِ وَانَّهُ لَا یَبْرَأُ مِنَ الشَّیخِینِ رَفِضَوْهُ ثُمَّ اسْتَعْمَلَ هَذَا اللَّقَبَ فِی كُلِّ مَنْ غَلَا فِی هَذَا المَذْهَبِ وَأَجَازَ الطَّعْنَ فِی الصَّحَابِ»؛ (الفیومی، ۱۳۸۳) رافضی به گروهی از شیعیان کوفه گفته شده است که زید بن علی را رها کردند، سپس این لقب به کسانی که در براءت شیخین زیاده‌روی کردند و اجازه طعن در مورد صحابه دادند، اطلاق شد.

- به مرور زمان این لقب درباره شیعه امامیه نیز به کار برده شد و در کتاب‌های فرق و مذاهب یادداشت گردید؛ چنان که ابوالحسن اشعری می‌نویسد: «وَأَنَّمَا سَمُّوا الامامِی رَافِضَ لِرَفِضِهِمُ امَامَ ابِی بَکْرٍ وَعُمَرَ». (اشعری، ۱۴۰۰: ۸۹، پاورقی) ذهبی نیز در المیزان و حافظ در تهذیب رافضی را به کسانی اطلاق کرده‌اند که شیخین را مورد طعن قرار داده‌اند.

- بغدادی پس از این که سبّیه را به عنوان رافضی معرفی کرده است، چند گروه دیگر مانند امامیه و زیدیه را به این نام می خواند؛ سپس می نویسد: «اما فرق الزیدیه و فرق الامامیه فمعدودون فی فرق الأم و الفرق السبّیه لیست من فرق ام الاسلام لتسمتیهم علیاً الهأ»، (بغدادی، ۱۳۶۷) فرق زیدیه و امامیه از گروه ها و فرقه هایی هستند که داخل امت اسلامی می باشند؛ اما فرقه سبّیه از فرقه های امت اسلامی نیستند، زیرا حضرت علی را خدا نامیده اند. از این بیان استفاده می شود که نسبت رفض به امامیه و زیدیه درست نیست؛ زیرا آنان جزو مسلمانانند و رافضی کسی است که از اسلام و امت اسلامی خارج باشد. در کتب فرق و مذاهب، رفض و رافضی بودن را به گروهی به نام سبائیه نسبت داده اند؛ سپس این لقب به گروه هایی مانند زیدیه، امامیه، کیسانیه و غلات نیز اطلاق گردیده است. هم چنین رفض و رافضی بودن را به گروهی به نام سبائیه نسبت داده اند؛ سپس این لقب به گروه هایی مانند زیدیه، امامیه، کیسانیه و غلات نیز اطلاق گردیده است. علامه بغدادی در «فرق بین الفرق» در مورد سبائیه می گوید: سبائیه گروهی از پیرو عبدالله بن سبا بوده اند که واقعیت خارجی نداشته اند
- عسقلانی می نویسد: «التشیعُ هو محبُّ علی و تفضیلُهُ علی الصحابِ فَمَنْ قَدَّمَهُ علی اَبی بکر و عمر فهو رافضی غالی فیالتشیع و من لم یُقدمه علیهما فهو شیعی»؛ (عسقلانی، ۱۳۵۲: ۳۳۳) کسی که علی را بر ابوبکر و عمر مقدم بدارد رافضی است و کسی که علاقمند به علی باشد و او را از صحابه افضل و برتر بداند، شیعه است.
- واژه رافضی به کسانی که به اهل بیت علیهم السلام محبت و عشق می ورزیده اند نیز اطلاق می شده است؛ چنان که امام شافعی گفته است: «ان کان رَفَضاً حَبُّ لِمحمد فلیشهد الثقلان اِنّی رافضی»، (فخر رازی، ۱۳۵۲) اگر علاقه و محبت اهل بیت پیامبر رفض است، پس آدمیان و پریان گواه باشند که من رافضی هستم. این مطلب حاکی از آن است که هر کس نسبت به اهل بیت پیامبر علیهم السلام محبت و عشق می ورزیده، هر چند سنی باشد، لقب رافضی به او داده می شده است. هم چنین به نقل از بیهقی، وقتی که به امام شافعی گفته شد که گروهی اهل بیت را دوست ندارند و هر کس چیزی در این خصوص نقل می کند او را رافضی می خوانند، این شعر را سرود:

«اذ نحن فضّلنا علیاً فانّا روافض بالتفصیل عند ذوی الجهل»؛ (الشبراوی الشافعی، ۱۴۲۳: ۲۷؛ الشبلنجی، ۱۳۸۴: ۱۱۵) هنگامی که ما علی را برتر بدانیم در نزد آنان که از حقیقت نادان هستند به رافضی بودن متهم می‌شویم.

از طرف دیگر، رازی از قول بدیع همدانی نقل کرده که وی بر مزار علی بن موسی الرضا علیه السلام گفت: «أنا مع اعتقادی فی التسنن رافضی فی ولایتک والا اشتغلت بهولاً فلت اغفل اولئک». (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۱۸) بنابراین اگر مقصود این است که به خاطر تفضیل و برتر دانستن علی بر ابوبکر و عمر واژه رافضی بر تشیع اطلاق می‌شود، روشن است که تفضیل باعث ترك دین نمی‌شود؛ زیرا برتر داشتن حضرت علی بر ابوبکر و عمر نزد شیعه، به خاطر دلایلی است که حضرت را برتر از خلیفه بلافصل معرفی می‌نماید؛ چنان که نزد جمعی از علمای اهل سنت نیز تفضیل حضرت، مسلم شده است؛ مانند علمای بغدادیون از جمله بشر بن معمر، ابوجعفر اسکافی، ابوالحسن خیاء محمود بلخی و شاگردانش. هم‌چنین جُتایی از علمای اهل سنت گفته است: اگر روایت نقل شده توسط طائر صحیح باشد، علی افضل است. (ابن ابی‌الحدید، ج ۱، مبحث تفصیل) وی روایت می‌کند که پیامبر از خدا خواست بهترین فرد را بر سفره غذايش حاضر نماید، آن وقت علی وارد شد و هر دو با هم غذایی بهشتی میل فرمودند. ابن عبدالبر نیز گفته است، پیشینیان در تفضیل ابوبکر و علی اختلاف داشته‌اند؛ افرادی مانند سلمان، ابوذر، مقداد، جابر، ابوسعید خُدَری و زید بن ارقم، حضرت را بر غیرش تفضیل داده‌اند.

بنابراین اگر تفضیل را ملاک رفض بدانیم، باید بیشتر پیشینیان و راویان حدیث را رافضی بدانیم و این نوع برخورد تنها ناشی از تعصب است؛ چنان که در این رابطه یکی از نویسندگان اهل سنت پس از نقل فضایل و کمالات حضرت علی علیه السلام چنین گفته است: فضایل علی قابل انکار نیست و انکار فضایل و نسبت رفض به معتقدان آن جز از ناحیه متعصبان صورت نمی‌گیرد.

هم‌چنین می‌گوید: «لو كان هذا رفضاً وتركاً للسنن لم يوجد من اهل الروای والدراي شئ اصلاً فإياك والتعصب في الدين والتجنب عن الحق واليقين»؛ (تفتازانی، ۱۳۷۶: ۲۳۰) اگر نقل فضایل علی رفض و ترك سنت باشد، چیزی از اهل روایت و درایت حدیث یافت نمی‌شود، پس پرهیزید از تعصب در دین و اجتناب از حق و یقین.

برخی نویسندگان اهل سنت در توجیه این لقب به روایتی تمسك کرده‌اند که از نظر متخصصان علم حدیث، مجعول است. مضمون این روایت چنین است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

38) / Journal of PURE LIFE, Vol. 7, No. 24 (Rajab 1442. Esfand 1399. March 2021)
«يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يُسَمُّونَ الرَّافِضِ يَرْفُضُونَ الْإِسْلَامَ»؛ در آخر الزمان قومی آشکار

می شوند که نام آنان رافضی است و اسلام را رفض می کنند. این روایت به دو دلیل قابل اعتماد نیست:

- از نظر سند صحیح نیست، چنان که ذهبی از رجال شناسان اهل سنت می گوید: این روایت از مجعولات است و هم چنین ابوعقیل یحیی بن متوکل آن را ضعیف و واهی دانسته و ابن عبد البر نیز بیان نموده این حدیث نزد جمیع رجالیون، ضعیف است.
(البیروتی الشافعی، ۱۳۷۶: ۱۱۵)

- بر فرض صحت و سلامت حدیث، حضرت گروه خاصی را مشخص نفرموده اند تا آن گروه رافضی دانسته شوند و شاید مقصود حضرت همان مطلبی باشد که در روایت دیگر آمده است که از سرزمین حجاز «قرن شیطان» ظهور می کند (ر. ک: تفتازانی، ۱۳۷۶) و آن ها هستند که فتنه و فساد ایجاد می کنند و یهود و کفر را به سرزمین مقدس اسلامی دعوت کرده و اسلام واقعی را رفض و رها می کنند.

نتیجه بحث آن که روشن می شود نسبت رفض و رافضی به شیعه امامیه، صحیح نیست؛ زیرا شیعه راهی جز راه قرآن، سنت و عترت برنگزیده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

«مَا لَهُمْ وَلَكُمْ مَا يُرِيدُونَ مِنْكُمْ وَمَا يُعَيَّبُونَكُمْ يَقُولُونَ الرَّافِضِ نَعْمَ وَاللَّهِ رَفَضْتُمْ الْكُذْبَ وَاتَّبَعْتُمُ الْحَقَّ»؛ (المعزي الملايري، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۰) چه شده آنان را با شما، از شما چه می خواهند و چرا عیب می گیرند و به شما لقب رافضی می دهند. آری! سوگند به خدا شما دروغ را رفض کردید و حق را پیروی نمودید.

این جا روشن می شود که دست های تفرقه افکن میان امت اسلامی، این گونه القاب را ترویج می کند تا چهره مکتب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دگرگون و خدشه دار نماید.

بنابراین، واژه رافضی به کسانی که به اهل بیت علیهم السلام محبت و عشق می ورزیده اند نیز اطلاق می شده است؛ چنان که شاهد مثال آن از امام شافعی نقل شد.

در مجموع، باید دانست که این اصطلاح در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله نیامده و لقبی است که گروهی به گروه دیگر نسبت داده اند.

آرا و عقاید رافضی‌ها

به منظور نمایش ناروایی نسبت رفض به شیعه، لازم است به صورت اجمالی به برخی عقایدی که در آثار مکتوب «فرق و مذاهب» به عنوان عقاید رافضی‌ها بیان شده است، اشاره نمود؛ زیرا شیعه امامیه به هیچ یک از این عقاید باور ندارد و بلکه آن‌ها را از عقاید باطل می‌داند.

بغدادی در بیان عقاید رافضی‌ها، عقاید ایشان را چنین توصیف می‌کند:

۱. نسبت پیغمبری به علی و نسبت خطا در رساندن وحی توسط جبرئیل به این صورت که

قرآن برای علی نازل شد و جبرئیل به اشتباه آن را بر پیغمبر خوانده است.

۲. غلو درباره علی بن ابیطالب؛ تا جایی که در مرگ ایشان شبهه کردند و گفتند علی مخفی

شده و مانند عیسی بن مریم به آسمان عروج نموده و گمان برده‌اند که او خداست و این

عقیده به برخی دیگر مانند کیسانیه و خطابییه سرایت نمود و محمد بن حنفیه و امام

صادق را خدا دانستند. (دارالمدنی، بی تا: ۱۰-۸)

۳. تحریم گوشت شتر. (همان: ۱۶؛ بغدادی، ۱۳۳۳: ۲۲۳)

در یک جمع بندی کلی و با توجه به بررسی اسناد تاریخی، می‌توان به این نتیجه آشکار رسید

که شیعه امامیه از عقاید بیان شده مبری است و در این باره به مکتب اهل بیت علیهم السلام ظلم شده و

تاریخ نگاران و نویسندگان ملل و نحل، انصاف را در این زمینه رعایت نکرده‌اند.

وجه تفاوت رافضی با واژه‌های مترادف شیعه

واژه شیعه مفهومی عام است که طبق تعریف پذیرفته شده همه فرقه‌ها و گروه‌های شیعی مانند

زیدیه و کیسانیه و اسماعیلیه را شامل می‌شود؛ اما در این میان واژه‌های دیگری نیز وجود دارد که با

این مفهوم عام تفاوت‌هایی دارد و در ادامه به برخی از این واژه‌ها و یافتن وجه تفاوت با رافضی

اشاره می‌شود:

۱. رافضی

رفض به معنای رد کردن و ترک و وا گذاشتن کاری است. مخالفان شیعه این واژه را معمولاً برای

مذمت و بدگویی به کار می‌برند. (العاملی، ۱۳۷۹: ۴۳)

درباره این واژه گفته شده است: از آن جا که شیعیان خلافت دو خلیفه اول را رد کردند، رافضی

خوانده می‌شوند. (اشعری، ۱۴۰۰: ۱۶)

برخی نیز معتقدند رافضی به شیعیانی گفته می‌شود که به جهت موضع نسبتاً ملایم زید درباره دو خلیفه اول در هنگام قیام خود، اردوی وی را ترک کردند. (مشکور، ۱۳۹۰: ۵۹)

هر یک از دو معنا که پذیرفته شود، واژه رافضی با شیعه در مفهوم عامش مترادف نیست؛ زیرا این کلمه گروه‌هایی از زیدیه را در بر نمی‌گیرد.

۲. جعفری

امام جعفر صادق علیه السلام با تلاش بسیار خود به شیعیان معتقد به رهبری امامان معصوم علیهم السلام هویت فقهی و کلامی ویژه‌ای بخشید؛ از این رو شیعیان بهره‌مند از آموزه‌های ایشان به جعفری شهرت یافتند. امروزه واژه جعفری با شیعه اثنی عشری مترادف است؛ اما از نظر برخی، اسماعیلیان نیز مشمول آن می‌شوند، زیرا ها به امامت امام صادق علیه السلام اعتقاد دارند.

۳. امامی

در دوران هر یک از امامان معصوم علیهم السلام به شیعیانی که به امامت ایشان از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام اعتقاد داشته‌اند و این خط سیر را تا امام دوازدهم ادامه می‌دادند، امامی خوانده می‌شدند. امامی در سیر تاریخی خود به تناسب زمان‌های مختلف، معانی دیگری هم چون ترادف با شیعه در زمان حضرت علی علیه السلام نیز داشته است؛ ولی امروزه معنایی معادل اثنا عشریه دارد. (ر. ک: شهرستانی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۲۷۱-۲۶۵)

واژه شیعه مفهومی عام است که طبق تعریف پذیرفته شده، همه فرقه‌ها و گروه‌های شیعی مانند زیدیه و کیسانیه و اسماعیلیه را شامل می‌شود؛ اما در این میان واژه‌های دیگری نیز وجود دارد که با این مفهوم عام تفاوت‌هایی دارد.

۴. خاصه

این واژه، بیشتر در متون فقهی و در مقابل لفظ عامه به معنای اکثریت مسلمانان به کار می‌رود و به معنای شیعه است. معنای ویژه‌تر این واژه در متون فقهی امامیه اثنا عشریه است که فقه خود را از امامان معصوم دوازده گانه علیهم السلام می‌گیرند.

۵. علوی

به نظر می‌رسد این واژه در زمان‌هایی بر گرایش کلامی شیعه به معنای اعتقاد به برتری حضرت علی علیه السلام دلالت می‌کرده است؛ اما بعدها به صورت بیشتری در معنای نسبی آن که بیان وابستگی نسبی افراد به حضرت علی علیه السلام است، به کار رفته است.

۶. فاطمی

این واژه بیشتر در معنای نسبی کاربرد دارد و برای تبیین تمایز فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام از فرزندان محمد حنفیه که کسانی که خود را به او منسوب می‌ساختند، به کار می‌رود؛ زیرا محمد حنفیه از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام نبود، هر چند در شمار فرزندان ایشان جای داشت.

۷. طالبی

این واژه مفهومی نسبی دارد؛ ولی دایره شمولش از دو واژه پیشین بیشتر است. طالبی به معنای فرزندان ابوطالب است که فرزندان ایشان از طریق غیر از حضرت علی علیه السلام را نیز شامل می‌شود. فهم دقیق این واژه با مطالعه کتاب «مقاتل الطالبین» ابوالفرج اصفهانی به دست می‌آید که در آن از قیام‌های همه طالبی‌ها و از جمله قیام‌های فرزندان جعفر بن ابی طالب نیز نام برده است.

نتیجه‌گیری

در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختلافات اعتقادی میان امت اسلامی پدید نیامد؛ اما پس از رحلت ایشان و بلکه از همان روز نخست، اختلاف بر سر خلافت و امامت، امت اسلام را به دو شاخه شیعه و سنی تقسیم کرد. بنابراین، خلأ حجیت و رهبر اعتقادی مورد قبول همه مسلمین، نخستین دلیل اختلاف‌ها و پیدایش فرقه‌های گوناگون از جمله رافضی‌ها و منشأ پیدایش آن است.

فهرست منابع

۱. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل (۱۴۰۰). مقالات الإسلامیین وإختلاف المصلین. ترجمه محسن مؤیدی. ویسپادن: انتشارات فرانس شتاینر.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغة. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. ابن حجر العسقلانی، شهاب الدین (۱۳۵۲). هدی الساری مقدمة فتح الباری. بیروت: دار المعرفة.

۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۶). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. البستاني، فؤاد افرم (۱۳۷۶). فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی: ترجمه کامل المنجد الأبجدي. ترجمه رضا مهیار. چاپ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۳۶۷). الفرق بين الفرق وبيان الفرقة الناجية منهم. (ترجمة النكت الإعتقادية شيخ مفيد در عقايد اماميه اثني عشر). تهران: کتابفروشی حقیقت.
۷. البيروتي الشافعي، محمد بن درويش (۱۳۷۶). اسني المطالب في احاديث مختلفة المراتب. بيروت: دار الكتب العلمية.
۸. تفتازاني، مسعود بن عمر (۱۳۷۶). حاشية شرح عقائد النسفية. بيروت: دار الكتب العلمية.
۹. دار المدني، هاشم الدفتر. و محمد على الزعبي (بی تا). رافضیان چه کسانی هستند؟ ترجمه علیرضا خسروانی. قم: انتشارات تابان.
۱۰. الشبراوي الشافعي، عبدالله بن محمد (۱۴۲۳). اتحاف بحبّ الأشراف. قم: دار الكتاب الإسلامي.
۱۱. الشبلنجي، مؤمن بن حسن (۱۳۸۴). نور الأبصار في مناقب آل البيت النبي المختار. بيروت: دار القلم.
۱۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکريم (۱۳۳۵). الملل والنحل. ترجمه افضل الدين صدر. تهران: انتشارات تابان.
۱۳. العاملي، محسن امين (۱۳۷۹). الشيعة في مسارهم التاريخي. قم: دائرة المعارف الفقه الإسلامي.
۱۴. الفيومي، احمد بن محمد (۱۳۸۳). المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي. چاپ ۳. قم: دار الهجرة.
۱۵. فخر رازي، محمد بن عمر (۱۳۵۲). التفسير الكبير (مفاتيح الغيب). بيروت: دار احياء التراث العربي.
۱۶. الفراهیدی، خليل بن احمد (۱۴۱۰). كتاب العين. چاپ ۲. قم: انتشارات هجرت.
۱۷. قزوینی رازي، عبدالجليل بن ابوالحسين (۱۳۵۸). نقض (بعض مثالب النواصب في نقض بعض فضائح الروافض). تهران: چاپ مير جلال الدين محدث.
۱۸. مشکور، محمد جواد (۱۳۹۰). تاريخ شيعة و فرقه های اسلام تا قرن چهارم هجری. چاپ ۹. تهران: انتشارات اشراقی.
۱۹. المعزي الملايري، اسماعيل (۱۴۱۵). جامع أحاديث الشيعة في أحكام الشريعة. قم: نشر الصحف.